

قدر يشتوانههاى اجتماعيمان راندانستهايم

مىشودوبرخىاز ساختەھاى ذھنى(كەبسيارى از علی از ۱٫۲ مراره مخاطرات آن، تذکر دادهاند) چنان در ذهن عدهای آمیخته شده که دستاور دهای اصلی و پُرعمق حادثه عاشورا، ناديده گرفته مي شود. ر رفتار مـادر این حوزه تا آن جـا به مفهومی چون

رعدر حاربی عوراندان به به مهومی چون تعارض پهلو زده که از یک طرف بی هیچ حد و محدودیتی، به حسین(ع) عشق می ورزیم و آثار این عاشقی را در ادبیات و رفتارهای سیاسی و اجتماعی خــودنشّان میدهیـَـم امــااز سوی دیگــر در بروز همین رفتارها گاهی اوقات گرفتار خرافه میشویم (خرافاتی) (همان دست که پیش تر شهید مطهری به آن اشاره کرده و البته به مرور زمان به تعداد آن افزوده شده است) و به صداقت، اعتماد به یکدیگر و مُحبت به افسراد جامعه و توجه بــه سرمایه های اجتماعی که لازمه علاقه به امام حسین(ع) هستند، توجه چندانی نمی کنیم. توجه بــه دو وجه این دو ماجرا ازجمله نکاتــی است که ذهن مــرا بسیاری

نجفقلي حبيبي X

واقعه عاشورا در تاريخ شيعه، موضوعي همهجانب است که میزان تأثیر آن در بخش های مختلف، نیاز به گفتن نـدارداما مواردی هست کـه از دید توجه عمومی، دورافتادهاست.در این میان توجه به رابطه اخلاق و واقعًه عاشورا یک ی از مهم ترین مباحثی است که در حال حاضر نیاز به بحث درباره آن، بیش از دیگر موارد احســاس میشود. روزهایی که در آن قرار داریم، روزهایی ارزشمند و بهانه مناسبی است تا درباره بداخلاقی ها و تعارضات اخلاقی موجود در جامعه بحث و گفتو گو کنیم. از یک سو تمام توان مابرای واقعه عاشورا و بزرگ داشت آن، به کار گرفته بے شود از سوی دیگر، در عمق رفتار اجتماعے مان گزارههای اخلاقی موجود در کربال نادیده گرفته

از اوقات، مشغول خود کرده اســـت. امیدوار م روزی برُسُد که بتوانیم از داشتُهای ژرف چون افرهنگ رست بو بیر برد مست ای روت پون ، مرست . اشورا» در حوزههای مختلفی چون اخلاق سیاسی، عسورا ادر خوردهای محتقی چون حلاق میسیسی. اجتماعی وفردی استفاده کنیم، نیاز به گفتن نیست کاد امام حسین(ع)، متعلق به همه امما (صرفنظر این دلیل که شیعه هستیم و خودمان را به اونزدیک میدانیم، می توانیم، میتراز اودرس بگیریم.

خريدو فـروش، قيمت اجنـاس، سخنان ديگران و… قضاوت می کنیم. جالب است که شک و بددلی در جزءجـزء ایـن داوریها به چشــم میخورد و همیشه ذهن و روحم مشغول آن است و درباره چنین موضوعی غصبه میخورم. ما میردم ایران

یکی نجامی و نجامیسار او در این معریما یکی از صوارد مهم که باید در صورد آن تجدید نظـر اساسی داشته باشیـم مسالـه داوری ها و قضاوتهای شتـابزدهای است که برخی از ما، به آن دچــار شدهایم و فورا در زیـاره آدهها، معاملات،

یشتوانہ ہا و بنیان ہایے داریم کے کمتر ملتے از نها بهرهمند است، با این وجود با داشتن تمام این سرمایه ها قـدردان نبودهایم و قـدر این نعمات را نیک ندانستهایم. برخی از افراد دچار بدبینی هایی هستند که بر زندگی خودشــان و دیگران تاثیرات مخرب و منفی فراوانــی میگذارند. خیلی فتیرت مخرب و منفی فراوانــی میگذارند. خیلی و میشود که این ســوال را از خــود می برسم چــه می شود که حافظ با این همه شور و شوقی که داشت در یکی از اشعارش می گوید: آبهٔ دنیا آمدن بر زحمت رفتن نمی ارزدا؟ نمی توانم دقیقا بگویم چه بلایی بر سر او و امثُـال او آمده که چنین جملاتــی بر زبانشان جاری میشود. آیــا کشت و کشتارهــای مغول و نیمور و ... باعث چنین رویکــردی شده یا تغییر و تحولات سیاسی باعث شده انسان ها به پنهان کاری روی بیاورند و به زندگی بدبیتن شوند؟ از خودم می پرسم تاریخ ما تا چه حد بر ما اثر گذاشته است؟

www.shahrvand-newspaper.ir

امروزبامولانا

یک خبر | یک نگاه

درمانی رامی گذرانند، دست کم این حق را دارند که از لحاظ مالی آسودگی خاطر داشته و معضل

تامین هزینه های درمان دردی دیگر بر دردهای جسمی و روحی شان اضافه نکند؛ به هر حال

امیدواریم روزی را در کشور شاهد باشیم که دیگر بیه و ریم روزی را در عسور محمد بعیم می به بیم بیماری بــرای تامین پول آمپول هــا و داروهای کمیابش،دغدغه نداشته باشد. به گفته دیناروند

بخش عمدهای از داروهای بیماران خاص رایگان

است و فرانشیز پرداختیی بیماران صعبالعلاج

نیز چه دربخش سرپایی و چه بستری ۱۰ درصد است او عنــوان کــرده در این مسیــر دو هدف عمده داریم؛ ابتدا آن که هزینه پرداختی بیماران

صعبالعلاج برای همه بیماران در هر شرایطی قابل تحمل باشد و از طرف دیگـر این هزینهها

برای بیماران بی بُضَاعتُ رایگان شود. این دو هدف عمده را پیگیری می کنیم.

برش

اعـــلام کند.امامشکـــل کار در

حله بعدی است. چون ه

دلايل مختلف نمى دانيم عشق

یستوبایدآنرابیاموزیم. عشق نیاموخته به نگهداری

پرندهای می ماند که اگر ندانی از چهچیز تغذیه می کندو چگونه بایــدازش مراقبت کردنه فقط

هر گز برایت نخواهد خواند بلکه يــادر كوتاهترين مدتى خواهد مرد یا به صورت کر کس زشتی جگرت را پاره پاره خواهد خورد...

ن سريمي در دست دست وبه حصوص سحت مراقب بايد بود كه تعريف طرفين حادثه كاملا باهم

انطباق داشته باشد بی هیچ درز و شکافی، بی هیچ سوءتفاهمی، بی هیچ سهل انگاری آسان گیرانهای

وكرنه ابتذال وفاجعه ازهمان لحظه نخه

یش از هر جیےز بابداز

ا: کتاب«بک هفته باشامله»

شاتر 🕜

مىكنــد بعــد اللتيــا والتــى

تـا سـوى باغـش بنگشـايند پوز

بعد ماهی چون رسـیدند آن طرف بینوا ایشـان سـتوران بـی علف

بخشىازداروهاىسرطانىهارايكانمىشود رئیس سازمان غذاودارو ضمن اشار دبه اقدامات 🦳 و رنج طاقت فر سای بیمـــاری و روندهای سخت

عشق شادیبخش و آزادکننده است و جرأت دهنده...

اخوانلنگرودی

روزجهانىديابت

روســتایی بیــن کــه از بدنیتــی

روی پنهـان میکند زیشـان بروز

انجام شده در جهت حُمايَـت مالى بيُش از پيش از بيماران خاص، صعبالعلاج و نيازمنداز رايگان

شدن بخشی از داروهای بیماران سرطانی و شیمی درمانی از هفته جاری خبر داد.دکتر رسول دينا، وند بااشا، ه ـــه اقدامات انحام شده در حمت

ممایت مالی بیـش از پیش از بیمـاران خاص، صعبالعلاج ونيازمنددر جهت اجراى طرح تحول

نظام سلامت، عنوان کرد درست است که بسته

خدمت ى مربسوط به اين موضوع هنسوز اجرايى

نشده امابايد گفت كهبيماران خاص وصعب العلاج هماکنوناز حمایتهای لازم برخوردارند. در حالی که سیاست گذاری های جدید حوزه

بهداشت و سلامت تا انــدازه زیــادی نیازهای دارویی و درمانــی بیماران سرطانــی و خاص را

مرتفع ساخته است؛ اما هنوز نمی توان گفت این حمایت ها کافی است. چرا که عزیزانی که در د

•آقاى شاملە...مى خواھم

از تان خواهش کنم برایمان

از عشق حرف بزنید. یعنی

از چیــزی صحبت کنید که

فكرىخودتانرامديون آن

هستید.مردماین کلمهرابه کارمی برنداماغالبابرداشت

درسی.ر روشنی از آن ندارند. عشق رابه انواع و اقسام تقسیم

ہی کنند: عشــق جسمی، ی عشـق روحـی، عشـق

افلاطونسي و انواع بسسيار ديگر.اماوقتىاز شمامىخوانندبرداشتھايشان

بىرحمانەبەصورتعلامتسوالىدرمى آيد.

بهات حــق ميدهم. سابــق مى گفتند: اعشق آمدنی بود نــه آموختنــی، بایــد در این عقیده

تجدیدنظر کرد.در مورداول (که عشّق آمدنی» است)مطلقاشکنبایدکرد.

پس نخست عشق باید «بیایــد» و حضورش را

زندگی روحی و جس

وظيفهاي كهبركردن مدارس است

میتوانند نقش تعیینکننـدهای در افزایش سرانه این حوزه خواهد بود. ِاهْكُارُهـاًى كَهُ موجـب توفيق در امـ

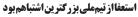
کودکان بچشانیم در آینده نیز با جامعهای مطالعه گر ت مواجه خواهيم بود. بــا توجه به آن كه 1-5 و میبوست مو به موسیم بود و به موجه و به مان د. در طول سال های اخیر میزان مهاجرت روستاییان و ساکنان شهرهای کوچک به کلانشهرها،افزایش مگیــری داشتــه اسه ت، می تــوان امیــدوار بود کتابخانه هـای روستايـی اين مهاجـرت بی رويه را



رویگردانی مردماز کتاب ومطالعه را ۱ نبايــدار نقش غيرقابل انكار مدارس غافل نويم.زمانى كەبراىرفع يكمشكل اجتماعى نياز بە انجام کار فر هنگی را احساس می کنیم، شایسته است تمرکز اصلی خود را روی کودکان و نوجوانان بگذاریم. آنان آیندهسازان کشـوری هستند کـه امروز وضع

گسترش روزافزون رسانه های تصویری چون تلویزیون و شبکه های ماهــوار های از یک سو و نفوذ اینترنت در ىيان مردم از سوى ديگر بهعنوان دو مانع جدى، روند

خودانتقادى





باهاتي كه بارهــا و بارها تكرار مي كنيم، گاهی از آن درس می گیریم و گاهی هم آنهارا به دست فراموشی می سپاریم امااین قاعده ای عمومی است که بابالارفتن سب و آموختن تجربیات مختلف انسان باباد (من سنی و موجنی عبریید محمدینه مسن پخته ری شود و آرموده تر معل می کند به همین که اتحام داده فکر می کند می گودد و ب کارهایی گذشته بر گردم مطمئنا این کار را انجام نمی دادم در این مجال یکی از انفاقانی را که در زمینه ورزش برای ین ، ناب کار کار منافتاد، بازگو می کنم، در سال ۱۹۸۶ تیم ملی ایران با حضور آقای دهداری بهعنوان سرمربی در المپیک سئول شرکت کرد. من جزو لیست ۱۴ نفرهای بودم کول سر دی تردیمی برو بیست ۵۰ سردی بردم که از حضور در تیمملی استعفادادیم. حالا که فکرش را می کنم کــار اشتباهــی انجــام دادم. می خواستم از هم،اشگاهی هایــم حمایــت کنم. فرشــاد پیوس جزو کسانی بــود که به خاطــر حمایـــت از او و دیگر هم تيمي هايم، استعفاداده بودم اما آنها بعداز آن رفتند واستعفایشان را پس گرفتند. به خاطر همین استعفا مدت ۲ سال از تیم ملی دور ماندم. در این ۲ سال حداقل مى توانستم ۲۰ بازى ملى انجام دهم وحتى مى توانستم كاپيتان تيم ملى باشم، بنابراين بايــداشتباه خودم را متوجه باشم وبگویم اگر به عقب برمی گشتم هر گزاین کار راانجام نمی دادم. باید بپذیریم ورز شکاران جزو آن دستها: اقشار هستند که تمام کار هایشاری: بر ذر میبن قرار دارد. بنابراین جوان هااز رفتار و کردار افرادی مثل آنهاالگوبرداری می کنند. آنها درمورد طرز رفتار و حتی



به این خاطر می توانــم از این تصمیم بهعنوان یکی از انتخابهای خوبم یادکنم.





اري و شنيداري حاكـــم بر جامع سلی ترین مشکل پیش وی کتاب در ایران هستند.



ی . چندان مناسبی در حوزه مطالعه ندارد. سرانه مطالعه از جملـه شاخص های جدی آماری



گرفتن آنها هم جامعه را ناامیــد و سردرگم میکند و هم فردخطاکار را بهور طهستی و شکست می کشاند. در مورد خاطرهای که تعریف کردم لازم است بگویم، در آن بازه زمانی گمان می کردم به دیگر اُن کمک می کنم وقتى برخسى از فوتباليستهاى تيسم با من صحبت کردند چون از همان ابتدا آدمی عاطف یودم، دلم برایشان سوخت هنوز هماگر یک فرد غریبه رادر حال گریه کردن در خیابان ببینه، اشک در چشمانم جمع میشود و دوستدارم برایش کـاری کنم. در آن برهه عم وقتى حرف بعضى از بچەھا را شنيدم دلم سوخت بار کی کرے ، کی کردہ باشہ، با این وجود به ابعاد دیگر نظیمہ استعفال تیم ملی، فکر نکردہ بودم، فکر شرا که می کنم می بینه اگر هدفم کمک کر دن بودمی توانستم به گونه ای این کار را انجام دهـ م که برای خودم گران به توعدی یی در رامیم معمم کیری خوم دران تمامنشود.می توانستم بعداز پس گرفتن استعفاتوسط برخی از هم تیمی هایم من هم استعفایم را پس بگیرم. اما جوانی و کم تجربگی باعث شداین کــار را انجام ندهم، اشتباهاتی از این دست نابخشودنی و بزرگ بود. به خاطر کم تجربگی ۴ سال از بهتریت دوران ورزشی خود رااز دست دادم. تا سال ۱۹۹۰ بازی در تیمهلی را ادامەدادەرودر ۳۲سالگىاز تىمملىخداحافظى كردە. بااينوجودبازىدرباشگاەپرسپولىسراتا۳سالدىگر ، ۔ صر در ۱۰ ۲۰ ۲۰ . هم ادامه دادم. علت خداحافظـــی نسبتا زودهنگام از تیهملی آنبود کهاردوهای تیهملی فشار بالایی به فرد می آوردوبه آن علتُ که از نظر خودم دیگر بازدهی لازم را نداشتم، ترجیح دادم میدان را به جوان ترها بسپارم. وست نداشتم دیگران مرااز تیمملی کنار بگذارند و



درحال حاضب در گیبر آن هست بـــه مهم ترين غدغههای امروز من تبدیل شدهاند. امیدوارم این دو خواسته بـــهز ودی بر آور ده شونـــد. امروز تئاتر ما ور با در مار در رفتار برخـــی از دوستان در این وضع خوبی نــدارد. رفتار برخـــی از دوستان در این حوزه اصلاقابل پذیــرش نیست. به قول معروف در بیشُتر تئاترهای امروز «عدهای ارگ میزنند و بقیه باید باهمان ارگ حرکات نمایشی از خودشان نشان

دهند». این وضع باعث شده امروز فقط به آرزوها دل بنديم اميدوارم تماشاچىھا ببىدىم. مىدورم تماشاچىھا بتوانىدتئاترواقعىببىنىدتئاتر ايدەآلمن آناست كەاگرىكى از فرنگىھابەايران آمد،بتوانىم لەرايرام.دىدى آبىدارىي مشكلاجتماعىووضعيتى کهازاینمنظر درونش گیر افتادهایمنیازمارابه تئاترو هنرهايىازايندستافزايش ،رین ساع مریس ت.چون تئاتروضع بخشىاززندگىووضع ىاعىمارابەز<u>يبايى</u>ودقت

او را برای دیــدن آن نمایش به سالن هايمان دعوت كنيم. من باختديدن وشياد بودن مردم مشکلی ندارم اما می گویم اگر همهچیز معطوف به رفتارهای نشانمانمىدهد

زشت و دمدستی باشد دیگر نمی شود اسم محصولی که ارایه هستیم را تئاتر بگذاریم. بايدبدانيم يكي از توقعهايي كهمردم از هنرمندان دارند آن است که هنرمند با ارایه کارهایش لبخند ا روى لبان مخاطب بنشانـــد. اما سوال اينجاست ر، روی بچل محمع بنست. ۵ سول ینبست که خنداندن باید به چه قیمتی اتفاق بیفتد؟ من می گویم خنداندن مردم نباید به هر قیمتی اتفاق نزدیکونزدیکترشوم. تد بايد با يک اتف اق در خور و پسنديده مردم را

عمل کرد.



باهفته كتاب



هنری که مثل آینه است

بخندانید. اگر توانستیداین کـار را انجام دهید من می گویم هنرمند هستید. مشکل اجتماعی و وضعیتی که از این منظر درونش گیر افتادهایم نیاز مارا به تئاتر و هنرهایی از این دست افزایش داده است. چـون تئاتر وضع بخشى از زندگى و وضع اجتماعى مــارا به زيبايي و دقت نشانمان میدهــد از این رهگذر من تئاتر را آینهای میدانم که می تواند تصاویر درخور و کاملا اینهای می دفتر عدی می می دند حقیقی رادر مقابل ماقــرار دهدو به همین طریق سوالات فراوان و چالشــی طرح کند.ماامروز سالن تئاتر نداریم تا آنجا کــه تئاتر شهر محل مناسبی برای اجراهانیست و بیشت راجراهابه تالار وحدت می روند، (همان طور که می دانید ت الار وحدت به منظـور بهرهبـرداری در زمینههایــی چون اپــرا، باله و خلاصەسالن موسیقی تأسیس شــد). اگــر توجەخودمــان

بیــش از پیش به سمــت تئاتر معطــوف کنیم، درواقــع برای مردمان سرزمينمــان كلاس اجتماعیی مناسبتتیری فراهم کردهایم.مردم میتوانن دو ساعت در هفتـــه گوشهای

از اُجتماعی کُے در آن زُندگی می کنند را بــا شفافیت هرچه تمامتر ببينند. اما وضع امروز ما كجاست؟ تئاتر ما تا چه حداز تعریف واقعی خــود و نقشی که می تواند ایفا کند فاصله گرفته است. مسأله من آن است که . تئاتر ماحرف امروز رابامـردم در میان می گذارد یا خير؟ هدف من آن است که بتوانم به چنین نقطهای